

کارل راینولد پوپر Karl Raimond Popper فیلسوف
 این روش علمی طبیعی و اجتماعی در سال ۱۹۰۲ در وین به دنیا آمد.
 چه در دانشگاه وین ریاضیات و فیزیک و فلسفه آموخت. اگر چه
 عضو «حلقه وین» و جزو پوزیتیویستهای منطقی نبود با بسیاری
 از آموزه‌های آنان به شدت مخالف بود. با چندین نفر از اعضای
 این حلقه علاقه مشترک و بر رودلف کارناپ تأثیر مهمی
 داشت. نخستین کتابش منطقی اکتشاف علمی *Logik der*
Forschung در سال ۱۹۳۵ جزو انتشارات حلقه وین منتشر شد.
 این واقعیت جالبی از نظر بیست که این کتاب که به قصد رد
 آراء پوزیتیویستهای منطقی نوشته شده ولی شامل مهمترین
 دلایل پوزیتیویست‌ها در فلسفه علم و تحلیل زبان اظهار شده ولی
 پوزیتیویستها بی آنکه عمق تفاوتها را دریابند آراء اصیل پوپر را

مکمل، بریان پوپر، ترجمه منوچهر بزرگمهر، تهران، خوارزمی،
 ۱۳۵۹، ص ۱۵۰، ۲۴۵، ۲۴۵، ۱۳۵۹

به‌اللهین خرمشاهی

پوپر، مبتدی زندگی کارگزار

جدایش یا مریزاد.
 حافظ و دیوانی بوجود می‌گردد پوزیتیویست
 حافظ شناسی می‌گردد، برای همه کسانی که بخواهند نظر خود را
 آنکه شاید خدیجی خدیجی است به کسانی که از عرفان نبرده ادعای
 برای آن بنا نهاده است. به هر حال این سلسله سخنرانیها علاوه بر
 احتمالاً در سخنرانیهای دیگر مطرح شد، ولی متأسفانه مجال
 ظاهر آن شان در روان قصد داشته است که مطالب دیگری را نیز
 سخنرانی مطرح شده است.
 قیل از این عالم از دیگر مناجاتی است که در این فصل که اخیراً
 بعضی از فلسفه‌های غربی مطرح است، و نیز مسئله وجود انسان
 از آن سخن گفته‌اند، و مقایسه آن با احساس غربی که امروزه در
 مسئله انسان و غربت او در این عالم که حافظ و سایر صوفیه
 آفرین بر نظر پاک جلال پوشش باد
 پیر ما گفت جلال بر قلم صبح برفت
 جلال آن یقیناً دقیقی از بیت ذیل نموده است:
 جنبه فلسفی دارد مطرح می‌گردد، از قیام مسئله نظام احسن که در
 مظهری در پنجمین سخنرانی خود مسائل دیگری را که پیشتر
 صمد ظالمین است و علم صمد پرستند.
 به این معنی است که می‌توان گفت عینی عینی جلال از علم است. عینی
 که ما صمد ظالمینم و او صمد دارم
 زجنب جرقه حافظ چه طرف بیوان بست

دانشه‌اند که حتی علم هم به اینجا راه ندارد، چون در اینجا صورتی
 به عبارت دقیقتر کمال عینی را که عین یقیناً یوحید است، مرتبه‌ای
 می‌جویند. مراتب بالاتر را روح و سر گفته‌اند، و کمال معرفت را، با
 حافظ با مقایسه با مراتب بالاتر شناسایی عرفانی آن را آینه اوهام
 طریق حق مرتبه‌ای است ناقص و درست به همین دلیل است که
 معدود از اهل الله بدان می‌رسند، ولی باز از نظر اولیاء و اولاد
 اگر چه آینه‌ها همه صورت علمی است و مرتبه‌ای است که عده‌ای
 خیال تخیلی کرده می‌پرستند.
 می‌گویند، چون مشوق را به لحاظ صورتی می‌گویند که از او در پرده
 مولی «هر لحظه بینی ساز» و سالک را اصطلاحاً بت پرست
 خیالی در آن است. در این مرتبه مشوق صورتی است که بقول
 خیالی یا عالم خیال هم نامیده‌اند، و این به دلیل انعکاس صور
 جوته‌اند، و آنچه را که حافظ آینه اوهام دیگران پرده
 در برد ایشان مرتبه‌ای است از مراتب شناسایی که آن را خیال نیز
 بحث شناسایی در آثار صوفیه رجوع کنیم می‌کنیم که وهم
 آینه اوهام را در این بیت چگونگی باید بیشتر کرد؛ هرگاه به
 این همه یقینی در آینه اوهام افتاد
 حسن روی تو به پاک خوره که در آینه کرد
 می‌توان بجزئی دریافت، آنچه که می‌گویند:
 معنی سر پرست (است. این نکه را از بیت دوم همین عزل هم
 و مواجد او، لهذا شعر او مربوط به تجربه شخصی او (یعنی به پاک

راه‌های دیگری برای حل همان مسائل که خود در پیش داشتند می‌انگاشتند و پوپر را از خود می‌دانستند، چنانکه همین حسن ظن یاسوه تفاهم را بنحوی عمیقتر در حق ویتگنشتاین داشتند. ترجمه انگلیسی این کتاب تحت عنوان *Logic of Scientific Discovery* در سال ۱۹۵۷ منتشر شد، و بویژه از آن زمان به بعد، به عنوان یکی از مهمترین آثار در فلسفه علم شناخته شد. در سال ۱۹۳۷ برای تدریس به یکی از دانشگاه‌های نیوزیلند رفت و تا سال ۱۹۴۵ در آنجا ماند، و سپس به انگلستان بازگشت و به تدریس در دانشکده اقتصاد دانشگاه لندن پرداخت، گویا دانشگاه کمبریج و آکسفورد او را به استادی نپذیرفته بودند.

بسیاری از صاحب‌نظران پوپر را بزرگترین منتقد زنده مارکس و مارکسیسم، و نیز بزرگترین فیلسوف علم می‌شمارند. کتاب *جامعه باز و دشمنانش Open Society and its Enemies* او، که در دوره درگیری جنگ دوم جهانی تألیف شده، و در پایان جنگ، سال ۱۹۴۵، در دو جلد منتشر شده، دومین کتاب مهم اوست که اینک به چاپ چهاردهم پانزدهم رسیده است. جلد اول این کتاب در نقد فلسفه سیاسی و اجتماعی افلاطون است. او مدینه فاضله افلاطون را شبیه به جامعه‌هایی که تحت حکومت‌های توتالیتار (تک‌حزبی، جامع‌القوا) اداره می‌شوند می‌داند و مردود می‌شمارد. جلد دوم به نقد مارکس و مارکسیسم اختصاص دارد. بریان مک‌گی، که این سطور به قصد معرفی کتاب پوپر او نوشته می‌شود، می‌گوید: «اعتراف می‌کنم که نمی‌دانم چگونه ممکن است کسی نقد پوپر را از مارکس بخواند و باز هم پیرو مارکس باقی بماند» (ص ۱۲۴) و دو فصل از کتابش را به بحث در اطراف جامعه باز و دشمنانش



اختصاص داده است، و نمونه‌های شگرفی در نقد مارکسیسم از پوپر نقل کرده است. پوپر خود در نوجوانی به مارکسیسم روی آورده ولی بزودی از آن - و سپس حتی از سوسیالیسم - روی برتافته است.

منظور پوپر از جامعه باز، در این کتاب، جوامع پیشرفته علمی - صنعتی غرب است که دموکراسی پارلمانی و به همین جهت امکان انتقاد، و به همین جهت امکان اصلاح دارند. البته در یک مصاحبه در پاسخ پرسشگر می‌گوید مراد او وضع بالفعل این جوامع نیست، بلکه وضع ایدئال و آینده بهتر آنهاست. در اینجا پوپر تر اصلی خود در فلسفه علوم طبیعی، یعنی پیشرفت علم بر اثر انتقاد یا ابطال پذیری مداوم را به علوم اجتماعی نیز تسری داده است. «دشمنان جامعه باز» و به عبارت دیگر جوامع بسته را جوامع توتالیتار که ظرفیت قبول انتقاد و لذا امکان اصلاح ندارند، می‌شمارد. بویژه فاشیسم آلمان و استالینیسیم را. وی بر آن است که مارکسیسم در دامان تساهل دموکراسی غرب پرورده شده و احیای مجدد آن نیز در دهه‌های اخیر در دامان همین دموکراسیها آغاز شده است. و این را اقتضای طبیعت جامعه باز می‌داند.

کتاب دیگری پوپر در زمینه فلسفه علوم اجتماعی فقر منهب اصالت تاریخ (یا تاریخ‌انگاری) *Poverty of Historicism* است (۱۹۴۴) که تحت عنوان فقر تاریخیگری، به ترجمه آقای احمد آرام به فارسی ترجمه شده است. (تهران، خوارزمی، ۱۳۵۰، چاپ دوم با تجدید نظر ۱۳۵۸، ۱۸۴ ص) این کتاب را می‌توان ذیلی بر کتاب جامعه باز و دشمنانش دانست. آرتور کستلر در نقدی که در سال ۱۹۵۷ در «ساندی تایمز» بر این کتاب نوشته، گفته است: «شاید از میان کتابهایی که امسال منتشر شده است تنها کتابی باشد که بعد از این قرن نیز دوام خواهد آورد» پوپر در این کتاب ثابت کرده است که منطقاً برای ما امکان ندارد جریان آینده تاریخ را پیشگویی کنیم، و آن را دارای سیر تکاملی محتوم به سوی فلان ناکجا آباد بدانیم. چه این پیشگویی و در واقع آینده تاریخ مبتنی بر نحوه و میزان پیشرفت علم و کشفیات علمی است، که خود اگر چه محتوم است ولی تفصیلاً معلوم نیست، زیرا اگر معلوم بود همانا اینک جزو علم امروزی در می‌آمد. توضیح بیشتر اینکه اگر اینک با قاطعیت بگوییم که فلان اختراع یا کشف علمی در ۱۵ سال آینده تحقق خواهد یافت، آیا این حرف یا این حدس را از روی تعارف می‌زنیم یا از روی تحقیق، اگر از روی تحقیق است، تفصیل آن از چه قرار است، اگر تفصیل عالمانه و علم‌پسندانه‌ای دارد که دیگر بقول حافظ «ساقی کجاست گو سبب انتظار چیست». اگر بگویند

است. عشق

را که بیشتر احسن که در

سایر صوفیه که امروزه در وجود انسان ل که آخرین

بگری را نیز فانه مجالى ها علاوه بر نبرده ادعای لور جدی با دمند باشد.

فیلسوف به دنیا آمد. اگر چه با بسیاری از اعضای معتابهی *Logik de* منتشر شد. به قصد رد مهمترین ویژه درباره است، ولی میل پوپر را

